

انگ مکان و مهار تادیبی: تاملی بر رمان ذات خون اثر کریل فیلیپس

بهاره نیلفروشان^۱، بختیار سجادی^۲، فریبا پرویزی^۳، فرید پروانه^۴

CLLS-2210-1133

چکیده

پژوهش در حوزه‌ی رمان معاصر از منظر رویکردهای متفاوت نظری، بخش عمده‌ای از مطالعات ادبی و به‌ویژه ادبیات روایی را دربرمی‌گیرد که خود بستر مناسبی را برای مطالعه و تحلیل گفتمان‌های بینارشته‌ای فراهم می‌کند. رمان *ذات خون* اثر کریل فیلیپس، هزارتویی از روایات را شامل می‌شود که هولوکاست در کانون این هزارتو قرار دارد. فیلیپس، با روایت خاطرات هولناک یک بازمانده از اردوگاه‌های آدم‌سوزی، خاطرات تلخ نژادپرستی را می‌کاود و آن را تا زمان‌های کهن، حتی تا زمان اتللو در ونیز به‌عقب می‌برد. مطالعه پیش‌رو، این میراث را از منظر رویکردی جدید به ادبیات از طریق مفاهیم جامعه‌شناختی فرهنگی و انسان‌شناسی مورد بررسی قرار داده است. از همین روی، مقاله حاضر رمان را با بررسی مفاهیمی مانند انگ مکان، گتو، و مهار تادیبی مورد مطالعه قرار داده تا نقش غیرقابل‌انکار و حقیقی داستان در سایر علوم اجتماعی را ترسیم کند و مهر تاییدی باشد بر طبیعت بینارشته‌ای ادبیات، به‌ویژه رمان. این مقاله با تمرکز بر مفهوم گتو به‌عنوان محلی انگ‌خورده که از سوی دو راوی اصلی رمان روایت می‌شود، نشان می‌دهد گتو یک راهبرد دردسترس و کم‌هزینه مهار تادیبی است که در طول تاریخ به‌کار رفته، در ادبیات مجسم شده و در رمان به‌عنوان نمونه‌ای از داستان معاصر به آن پرداخته شده است. مطالعه‌ی حاضر تلاش دارد از طریق ادبیات، آینده‌ی مهاجران با برچسب‌گذاری‌های قومی، نژادی و مذهبی را ترسیم و رمان را رسانه‌ای برای تحقق عدالت در این زمینه معرفی کند.

واژگان کلیدی: دیاسپورای یهودی، بینامتنیت، روان‌زخم، هییت تادیبی، حصر محدودکننده، دورسازی شهری


دوره بیست و یکم شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۱. استادیار گروه زبان انگلیسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. ایمیل: faridparvaneh@gmail.com
<https://orcid.org/0000-0002-1274-9671>

۲. دانشجویار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول)، ایمیل: b.sajadi@uok.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0002-6483-5803>

۳. استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه ارشاد دماوند، تهران، ایران. ایمیل: f.parvizi@e-damavandihe.ac.ir

۴. استادیار گروه زبان انگلیسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. ایمیل: faridparvaneh@gmail.com
<https://orcid.org/0000-0002-1274-9671>

 Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

۱. مقدمه

نات خون^۱، بلندپروازانه‌ترین اثر داستانی فیلیپس^۲ است که در آن شخصیت‌ها و مکان‌های تکافتاده و مفلوک، درهم‌تنیده شده‌اند و بن‌مایه‌های پرتکرار او مثل احساس تعلق^۳، هویت^۴، بی‌خانمانی و تبعید، در آن بسیار پررنگ است. این رمان، جسورانه به داستان ترسناک هولوکاست و تاثیر پیچیده‌ی آن بر زندگی و هویت بازماندگانش پرداخته است. به علاوه، به قرن شانزده اروپا بازگشته تا طبیعت کشمکش بشر با میراث نژادی، قومیتی و مذهبی وی را کشف کند. به‌طور کلی، رمان بر اساس خاطرات پر از روان‌زخم^۵ او^۶، بازمانده‌ای از اردوگاه‌های نازی، است که ماجراهای بی‌جاشدگی و سلب مالکیت در آغاز جنگ جهانی دوم را روایت می‌کند. همین شرایط برای سایر شخصیت‌های داستان روایت می‌شود که برای چنگ‌زدن به سرشت منحصر به فرد خون و ریشه‌ی خود، در حال جدال هستند؛ مانند داستان اتلوی آفریقایی تبار و یهودیان ایتالیایی رنسانس. آنچه که در مطالعه‌ی حاضر تشریح شده، واکاوی موشکافانه‌ی این رمان از نقطه‌نظر لوئیک وکان، شامل مفاهیمی مانند مکان‌های انگ‌خورده، گتو و مهار تادیبی است تا انسان‌شناسی فرهنگی-اجتماعی را به داستان، به‌صورت بینارشته‌ای^۷ پیوند بزند و ارتباط دو جانبه‌ی آن‌ها را در علوم انسانی معاصر، به‌ویژه ادبیات تبیین کند.

رمان به نگرانی همیشگی و جاهلانه‌ی اروپا درباره نژاد می‌پردازد. نات خون، به‌عنوان یک رمان چندصدایی، از دیدگاه کسانی روایت می‌شود که نقطه‌ی تلاقی‌شان، رانده‌شدن به حاشیه به‌خاطر مذهب و نژاد است. این داستان در مکان‌هایی روایت می‌شود که محل زندگی شهری مردم عادی نیست؛ بلکه گتوها و اردوگاه‌هایی مملو از فقر و وحشت هستند. شخصیت‌ها نیز نه‌تنها از قرن بیستم، بلکه نمونه‌هایی از ادبیات کلاسیک، مانند اتلوی نیز هستند. این داستان در سرزمین‌هایی روایت می‌شود که ساکنانش برچسب‌هایی از نژاد، مذهب و طبقه‌ی اجتماعی دارند. فیلیپس با انتخاب این مکان‌ها، تلاش می‌کند نشان بدهد اروپا همواره دیدی تبعیض‌آمیز و درعین حال سیستماتیک به افراد غیرخودی و

1. *The Nature of Blood*

2. Caryl Phillips

3. *Belonging*

4. *Identity*

5. *Trauma*

6. *Eva*

7. *Interdisciplinary*

به‌حاشیه رانده‌شده، حتی در زمان اتللو در ونیز، داشته است. اتللو در مقام تازه‌واردی که به ونیز مدرن آمده، برای کشف شهر هیجان‌زده است. او به تدریج درمی‌یابد که یهودیان این شهر فریبنده، در مکانی کاملاً مرموز و متناقض به نام گتو زندگی می‌کنند. فیلیپس تصویری کامل از مکان زندگی این یهودیان ارائه می‌دهد: "عموماً این‌گونه تصور می‌شد که واژه‌ی گتو ابتدا برای توصیف بخشی از ونیز استفاده می‌شد که در قرن شانزدهم به یهودیان دستور داده شده بود، جدا از مسیحیان در مکانی کثیف و تاریک، در شمال سنت مارک زندگی کنند. واژه‌ی ایتالیایی گتو به معنی کارخانه‌ی ذوب آهن [...] است. گتوها معمولاً بسیار پرجمعیت هستند و تأثیری بسیار منفی بر اعتماد به نفس ساکنانشان دارند." (۸۸). این طرز تفکر درباره مکانی که باقی شخصیت‌های رمان در آن زندگی می‌کنند، همواره در آن قابل مشاهده است که نشان می‌دهد انگ مکان برای افراد حاشیه‌نشین، راهی است برای جمع کردن آن‌ها تحت لوای تحقیر. به همین طریق، وکان سعی دارد روند گتوسازی، به مثابه یک ساختار اجتماعی معاصر در آمریکای شمالی را با اتحادیه‌ی اروپا مقایسه کند: "نگ مکان باعث تشویق ساکنان به رویکردهایی اجتماع‌گریز و اجتناب متقابل و فاصله‌گیری از یکدیگر می‌شود که شکاف اجتماعی را وخیم‌تر و بدگمانی بین مردم را تشدید می‌کند و حس تعاون را که لازمه‌ی مشارکت در ساخت جوامع کوچک و عمل جمعی است را تحلیل می‌برد." (وکان ۳۰). وی معتقد است با وجود این که ساختار گتوها در دو سوی آتلانتیک به خاطر عوامل نژادی با هم متفاوت است، ننگ مکان باعث تحقیر ساکنان آن و منجر می‌شود حتی در ارتباطات شخصی به یکدیگر اعتماد نداشته باشند و از هر گونه عمل جمعی^۱ ناتوان باشند؛ چیزی که در این رمان مشهود است، جایی است که شخصیت‌ها بار زندگی خود را در انزوا به دوش می‌کشند.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

رمان و داستان‌روایی، برای منتقدان و محققان حوزه‌های ادبی و مطالعات انتقادی جذاب هستند و رمان‌های فیلیپس، منبعی وسوسه‌انگیز برای تحلیل انتقادی از رویکردهای گوناگون ادبی هستند. آلن لیام مک کلاسکی^۲ ذات خون را از نظر ساختاری و فنی مورد بررسی قرار داده است. مک کلاسکی صنایع روایی به کار رفته در رمان چندصدایی^۳،

1. Collective Action
2. Alan Liam McClusky
3. Polyphony

آشنایی زدایی^۱ و بینامتنیت^۲ را مورد بررسی قرار می‌دهد و استدلال می‌کند که تاثیر این صنایع در این اثر، عمدتاً نادیده گرفته شده‌اند. از این رو، به دنبال دیدگاه انتقادی و جهان‌شمول است. مک کلاسی مفهوم ناتوانی در هم‌احساسی^۳، به‌عنوان صنعتی محرک در رمان را مورد بررسی قرار می‌دهد و این ناتوانی را به راویان غیرقابل اعتماد^۴ رمان نسبت می‌دهد که درحال روایت داستان چندصدایی در بسترهای تاریخی مخصوص به‌خود هستند. در این بحث، وی توجه خاصی به مفهوم بینامتنیت دارد و معتقد است بر اساس تجربیات متفاوت، و درعین حال مشترک شخصیت‌های داستان، سرشت تاریخ به‌طرز غیرقابل‌اجتنابی منتیت دارد. تا حدی که "رمان اخیر را باید در به‌کارگیری آشکار و گزیده‌ی بینامتنیت آن شناخت که توجه ما را هم به طبیعت غیرقابل‌انکار منتیت تاریخ و هم به تاثیر اجتناب‌ناپذیر بر توانایی ما برای هم‌احساسی با شخصیت‌های رمان، جلب می‌کند." (۲۱۶). در نتیجه، همدلی با شخصیت‌های داستان را به مساله‌ی پیچیده‌ای تبدیل می‌کند که همواره درحال نقض خویش است تا جایی که دیگر نمی‌توان به راوی و روایتش اطمینان کرد.

او داستان مخوف خود در اردوگاه را با لحنی منفصل، کوتاه و منقطع روایت می‌کند که ناشی از روان‌زخمی است که در این خلال تجربه کرده و به‌تدریج از او راوی غیرقابل‌اعتمادی می‌سازد که روایتش، به‌نقل از مک کلاسی از همدردی خواننده با او اجتناب می‌کند. وی معتقد است فیلیپس عامدانه و زیباشناسانه همدردی با او را مشکل می‌سازد تا این تجربه را به‌صورت کلی به ابزاری برای دور نگه‌داشتن و بیگانه‌سازی تبدیل کند. او نظراتش را از منتقدان گوناگونی مانند نظریه‌ی همدلی لویناس تا مفهوم بیگانه‌سازی^۵ برشت^۶ وام گرفته و معتقد است فیلیپس موفق شده به تاثیر بیگانه‌سازی هم در سطح کلامی و هم عملی دست یابد: "او این کار را با به‌کارگیری راهبردهای بینامتنیتی انجام می‌دهد که داستان‌هایی کاملاً آشنا را با روش‌هایی عجیب و بیگانه در تاروپود رمان تلفیق می‌کند." (۲۲۲). در آخر، او تاکید می‌کند فیلیپس بینامتنیت و بیگانه‌سازی را آگاهانه به‌کار می‌برد تا خواننده را وادار کند از دور به تاریخ بنگرد و

1. Defamiliarization
2. Intertextuality
3. Empathy
4. Unreliable Narrators
5. Estrangement
6. Brecht

حتی داستان‌های کلیشه‌ای روایت‌شده در رمان را هم از دریچه‌ای جدید ببیند تا فردیت را در بستری جهانی‌تر تعبیر کند.

تمرکز بر مطالعات پسااستعمارگرایی^۱ و داستان روان‌زخم^۲ به‌مثابه رویکردی تحسین‌شده بر داستان و ناداستان فیلیپس، درحقیقت رویکردهای جدیدی از مباحث پژوهشی درباره آثار وی را آشکار می‌سازد. گویلیا ماسکولی^۳، در رساله‌ی دکتری خویش درباره لحن موسیقایی^۴ آثار فیلیپس، از همین رویکردهای جدید به تحلیل عمیق رمان پرداخته و معتقد است در میان صنایع ادبی دردسترس این نویسنده، فیلیپس نثر آهنگین را انتخاب کرده است. در این مقاله، او رمان فیلیپس را اثری با نثر آهنگین، به‌ویژه در روایت او تعبیر کرده و می‌گوید که مفاهیم "برون‌ریزی"^۵ و "کنار آمدن"^۶ از دومینیک لاکاپرا^۷، که در اثر تحسین‌شده‌اش، نوشتن تاریخ، نوشتن روان‌زخم^۸، به‌طور عمقی به آن پرداخته، دو رویکرد برای تحلیل تجارب روان‌زخمی است که در داستان او بازگو می‌شوند. به‌علاوه، ماسکولی سعی دارد نشان دهد که پیچیدگی صنعت ادبی منتخب فیلیپس، یعنی آهنگین بودن، باعث می‌شود رمان ارزش خوانش پیچیده و هم‌ذات‌پندارانه‌ای داشته باشد: "این اثر همچنین نشان می‌دهد چگونه فیلیپس با برگیری صنایع ادبی مانند موسیقی، به زبانی متوسل می‌شود که هم‌زمان به‌دنبال جذب و مقابله‌ی درک خواننده است که در نتیجه، باعث اجتناب از هر نوع هم‌ذات‌پنداری آسان و پیش‌پاافتاده با او می‌شود." (۱). ماسکولی با تمرکز بر بخش روایت او، به مفهوم تکرار به‌مثابه نوعی موسیقی در تکرار وقایع می‌پردازد و به نتیجه می‌رسد که چنین استفاده‌ی راهبردی از موسیقی در داستان روان‌زخم، می‌تواند مستقیماً به مفهوم "کنار آمدن" لاکاپرا مرتبط باشد که به‌وسیله‌ی این تکرار در روایت "تخلیه‌ی احساسات" و به‌دنبال آن "بازسازی گذشته" (۱۶) را انجام می‌دهد.

بخش قابل‌توجهی از نقدها بر آثار فیلیپس به مفاهیمی مانند احساس تعلق و از دست

1. Postcolonialism
2. Trauma Fiction
3. Guilia Mascoli
4. Musicality
5. Acting Out
6. Working Through
7. Dominic La Capra
8. Writing History. Writing Trauma

دادن حس هویت‌طلبی، اختصاص دارد که در روایت جامع او از اروپا و فراتر از آن بیان می‌شود. برای اینکه فیلیپس بتواند از عهده‌ی چنین دامنه‌ی وسیعی در روایت برآید، نشان می‌دهد درک عمیقی از ادبیات انگلیسی دارد که در آثار داستانی‌اش، از جمله *نات خون*، منعکس شده‌اند. ربرتا گفتن و ندریچ^۱ با بررسی این موضوع، به این نکته می‌پردازد که چگونه فیلیپس با مسئله هویت فراملی^۲ و فراتاریخی^۳ از طریق روایت بینامتنی برخورد می‌کند: "هر دو رمان روایت‌های مختلفی از عدم وابستگی (استعاره‌ای برجسته در آثار فیلیپس) و جست‌وجو برای ریشه‌داشتن (محال) را با هم درمی‌آمیزند و تفاوت‌های نژادی، قومی و مذهبی را به شکل مخمضه‌ای هستی‌گرایانه ترسیم می‌کند که تاریخ استعماری و روان‌زخم‌های مربوطه را به وجود آورده‌اند." (۲۹۴). او ضمن پرداختن به چنین روایتی، اظهار می‌دارد که توجه فیلیپس به موضوع هویت و احساس تعلق داشتن در تلاش‌های بینامتنی او مجسم شده است. او این تلاش ادبی فیلیپس را به‌عنوان مثال در استفاده از پیش‌درآمد^۴ و روایت بیوگرافی-داستانی مورد بررسی قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که این تلاش "انتقادی زیرکانه و پیچیده از خود مفهوم بینامتنیت، به‌عنوان سرچشمه‌ی حافظه‌ی تاریخی است." (۲۹۵). به بیان دیگر، این رویکرد تلاشی است برای به‌تصویر کشیدن حافظه‌ی فرهنگی یک نژاد یا ملت از طریق اهداف بینامتنیتی. و ندریچ معتقد است فیلیپس همواره تلاش می‌کند ارتباطی بین تاریخ یهودیان در اروپا و تاریخ سیاه‌پوستان پیدا کند؛ همان‌طور که در *قبیله‌ی اروپایی*^۵ اش پیداست. این تلاش نهایتاً پاسخی کامل و عمیقی به پرسش‌های وی درباره هویت و احساس تعلق، ارائه می‌دهد. و ندریچ به‌نقل از مطالعه‌ی آن وایتهد^۶ درباره داستان روان‌زخم، نتیجه می‌گیرد شاید فیلیپس با آوردن اتللو به ونیز رنسانس، تلاش می‌کند تا گفت‌وگویی بین سیاه‌پوستان و یهودیان ایجاد کند تا نشان دهد ادبیات، بهترین وسیله برای ایجاد صلح و همدردی جهانی است.

دسته‌بندی آثار داستانی و ناداستان فیلیپس در زمره ادبیات پسااستعماری، نقش بینامتنیت را به‌مثابه صنعت ادبی بسیار مهم در ادبیات به‌طور کلی و آثار فیلیپس به‌طور

1. Roberta Geffer Wondrich
2. Transnational
3. Transhistorical
4. Prequel
5. The European Tribe
6. Anne Whitehead

ویژه برجسته می‌کند. آن وایت هد در *داستان روان زخم*^۱ توصیف کاملی از وجوه مختلف روان زخم و تجسم آن در ادبیات ارایه می‌دهد. وی ارتباط متقابل میان روان زخم و بینامتنیت را در رمان فیلیپس، به‌عنوان مثالی ستودنی در این ژانر، مورد بررسی قرار می‌دهد. وایت هد با استفاده از چهارچوب نظری وسیعی درباره روان زخم و داستان آن، معتقد است که در نظر گرفتن بینامتنیت به‌مثابه نوعی تکرار، با نظریه‌ی وسواس تکرار^۲ فروید مطابقت دارد و بنابراین، تکرار داستان اتللو در رمان، قصد دارد توجه خواننده را به نقش برجسته‌اش به‌عنوان بیگانه و غیرخودی هم در رمان و هم در نمایشنامه‌ی شکسپیر معطوف دارد.

او معتقد است نه‌تنها بینامتنیت ابزاری قدرتمند برای چنین تکراری است، بلکه "می‌تواند به‌گفت‌وگویی انتقادی و مفید با آثار ادبی کلاسیک تبدیل شود که معانی جدید را محتمل می‌سازد."^۳ (۹۰). به‌قول وایت هد، فیلیپس از بینامتنیت به‌عنوان شکلی از مقاومت در برابر تصویر نژادپرستانه‌ی تثبیت‌شده از اتللو^۴ شکسپیر استفاده می‌کند و صدایش را به او می‌رساند تا اتللو از آن برای مقاومت در برابر تعصب ونیزی‌ها استفاده کند. به‌نقل از کروث^۵، وایت هد می‌گوید که تجربه‌ی روان‌زخمی به بهترین شکل "فقط در ارتباط با مکانی دیگر و زمانی دیگر"^۶ (۹۹) می‌تواند بیان شود و این چیزی است که فیلیپس از آن برای بیرون‌کشیدن اتللو از دست مخاطبان رنسانس و قراردادن آن در دورنمایی معاصر با معانی و مفاهیم متفاوت، سود می‌برد. به‌علاوه، وایت هد، نقش بنیادین بینامتنیت در روایت او را بررسی می‌کند که ارجاع مستقیمی به *خاطرات یک دختر جوان*^۷، اثر آن فرانک^۸ و *شال*^۹، اثر سینتیا ازیک^{۱۰} است. به‌گفته او، رویکرد فیلیپس به سایر منابع ادبی، بیانگر تفکر آگاهانه‌ی وی درباره سیاست‌های افریقایی-آمریکایی و همچنین "تجارب و دل‌مشغولی‌های یهودیان"^{۱۱} (۹۲) می‌باشد. وایت هد، مانند بندیکت لدنت^{۱۲}، معتقد است فیلیپس از خوانندگانش می‌خواهد خود، معانی جدید بیابند و در ارجاعاتی که در هزارتوی روایی رمان آمده، تعمق کنند.

1. Trauma Fiction
2. Repetition Compulsion
3. Caruth
4. Diary of a Young Girl
5. Anne Frank
6. Shawl
7. Cynthia Ozick
8. Benedict Ledent

سپس وی استدلال می‌کند که بینامتنیت می‌تواند اثر قبلی نویسنده را نیز در کنار آثار جدیدترش با تأثیر مضاعف بیاورد؛ کاری که فیلیپس در *نات خون* و تفکراتش در مجموعه مقالاتش، *قبیله‌ی اروپایی*، انجام داده است. بنابراین، پیشنهاد می‌کند هر دو اثر در کنار هم خوانده تا درون‌مایه‌ها و نظرات مشترک آن‌ها، قابل‌درک‌تر شوند. با در نظر گرفتن ابرروایت هولوکاست به‌عنوان نوعی تلاش بینامتنی، وایت هد تشابهی بین *اردوگاه‌ها*^۱ اثر پاول گیلروی^۲ و *نات خون* می‌یابد، زیرا "فیلیپس درخواست گیلروی برای گفت‌وگو بین فرهنگ‌های سیاه‌پوستان و یهودیان را با محل وقوع داستان، یعنی ونیز رنسانس ترکیب می‌کند که به وی اجازه می‌دهد بینامتنیت را به قهرمان‌های سیاه‌پوست و یهودی شکسپیر، یعنی اتللو و شایلوک ارجاع دهد." (۱۰۴-۱۰۳). این همان گفت‌وگویی است که هم گیلروی و هم فیلیپس در تلاش برای به‌دست آوردن آن در تجربه‌های زیسته‌ی سیاه‌پوستان و یهودیان هستند تا شکاف به‌وجودآمده از طریق ابرروایت‌های نژادپرستانه و مذهبی را پر کنند. به‌علاوه، تجربه‌های زیسته‌ی سیاه‌پوستان و همین‌طور یهودیان، بدون در نظر گرفتن هویت گروهی آن‌ها؛ امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ همان‌گونه که غلامی و سهیل در ترسیم دیالکتیک هویت فردی و اجتماعی در *رمان دل‌بند موریسون* از آن سخن می‌گویند. آن‌ها معتقدند فقدان هویت گروهی و در نتیجه فقدان هویت فردی، وضعیت مطلوب استثمارگران است: "از همین‌رو، در غیاب هر گونه هویت گروهی و شناسه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی، آیین‌های برای بازتاب هویت و جایگاه نقش فردی نداشتند. این وضعیت مطلوب استثمارگران بود تا بدان وسیله هر گونه اراده، هدف و تعامل را از آنان سلب کنند." (۱۳۹۱ و ۸). این دیالکتیک را می‌توان به‌صورت بینامتنی در *نات خون* نیز مشاهده کرد؛ که سیاه‌پوستان و یهودیان از هویت گروهی و فردی خود به‌دلیل برچسب‌گذاری‌های نژادپرستانه و مذهبی، محروم هستند.

مروری بر آثار انتقادی و تحلیلی بر *رمان نات خون*، بیانگر جذابیت آن برای پژوهشگران در زمینه‌های مختلف ادبی، از جمله رویکردهای مربوط به بینامتنیت، است. اما آنچه در این مقالات کمتر به آن پرداخته شده، مطالعه‌ی انسان‌شناسی است که اهمیت مکان‌هایی که در *رمان* توصیف می‌شود را به‌عنوان فضاهایی خاص و معنادار نشان دهد؛ مانند گتوهای ونیزی و اردوگاه‌های هولوکاست. از این‌رو، مفاهیمی چون انگ مکان و مهار تادیبی که در انواع مختلف گتو به‌آسانی به‌کار می‌روند و در *رمان*

1. Between Camps

2. Paul Gilroy

به‌طور دقیقی ترسیم شده‌اند، نقاط اصلی تامل در مقاله‌ی پیش‌رو هستند؛ زیرا رویکردی جامعه‌شناسانه برای دورشدن از رویکردهای ادبی مطلق و حرکت به‌سوی رویکردهای بینارشته‌ای، ضروری است.

۳. گتو: زندانی دوست‌داشتنی

روایات متنوع و بسیار دورازهم از نظر مکان و زمان، چهارچوب روایی رمان را شکل می‌دهند که درنهایت، پرسش مشترکی را در ذهن خواننده برمی‌انگیزد و آن ذات خون و تشابه آن در همه‌ی نژادها، عقاید و قومیت‌ها می‌باشد. با چرخشی در مکان و زمان، فیلیپس از اردوگاه نازی، به ونیز قرن شانزده می‌رود تا بخشی از زندگی شگفت‌اتللو را به خواننده معرفی کند. همان‌طور که داستان به‌پیش می‌رود، اتللو جذابیت ونیز و ساختار منحصربه‌فردش برای یک غریبه را تصدیق می‌کند. یکی از مرموزترین مکان‌ها برای او، گتوی یهودیان است. اتللو در تلاش برای وفودادن خود به زندگی شهری ونیز، در دل شهر گشت‌وگذار می‌کند تا با زبان و فرهنگ مردمی که به‌زودی فرماندار ارتششان خواهد شد، آشنا شود. او در خلال ماجراهایش برای یافتن معلمی که به او زبان ایتالیایی بیاموزد با گتو، از عجیب‌ترین مکان‌هایی که تا به‌حال دیده، مواجه می‌شود. او چیزی را که می‌بیند، این‌گونه بیان می‌کند: "عموما فرض می‌شود که کلمه‌ی گتو ابتدا برای توصیف بخشی از ونیز به‌کار برده می‌شده که در قرن شانزده به یهودیان دستور داده شده جدا از مسیحیان در مکانی نمور و کثیف در شمال سنت مارک زندگی کنند. لغت ایتالیایی گتو به‌معنای کارخانه ذوب آهن است." (۸۸) و با چنین توصیفی به اکتشافاتش درباره گتو ادامه می‌دهد، زیرا یهودیانی که در این حصار زندگی می‌کنند به‌طرز باورنکردنی ثروتمند اما درعین حال، دارای آداب و رسوم عجیبی هستند.

با وجود این‌که گتوی توصیف‌شده، یادآور حصاری محدودکننده^۱ از قرن‌ها پیش است؛ نکته‌ای که وکان سعی می‌کند در آخر قرن بیستم در دو سوی آتلانتیک ترسیم کند، شبیه به همتای ونیزی خود در رنسانس است. او معتقد است گتو را "می‌توان به‌طور ایده‌آل ساختاری اجتماعی-مکانی محدودشده و از نظر قومی یکپارچه توصیف کرد که فراروی بدنام‌سازی قهری یک جامعه با انگ‌زنی و نفی‌کردن است، مانند یهودیان در قلمروهای اروپای رنسانس." (۴۹)، آنچه در رمان مشهود است، همین انگ‌زنی، یعنی یهودی‌بودن است که باعث شده این جمعیت به‌زور پشت درهای آهنین گتوی رنسانس،

1. The exclusionary Closure

زندگی کنند. راوی پیشتر درباره محدودیت‌ها و مجازات یهودیان در صورت خروج از گتو می‌گوید و این حقیقت را روشن می‌کند که زندانی که یهودیان در آن قرار دارند، ساختاری قومی است که کم‌وبیش بدون تغییر در عصر حاضر باقی مانده است. همان‌طور که در رمان مشاهده می‌شود، به‌ویژه در نیمه‌ی قرن بیستم و دوران پس از جنگ جهانی که اثبات می‌کند گتو ساختاری اجتماعی-مکانی است که منشا انواع جنایات و تنازع‌های روان‌شناسی، فیزیکی و اقتصادی است که در رمان معاصر منعکس شده است.

اتللو با مشاهده‌ی رفتار عجیب و رسوم قومی مذهبی ساکنان گتو می‌گوید "گتوها عمدتاً پرجمعیت هستند و تاثیری تضعیف‌کننده بر اعتماد به‌نفس ساکنان آن دارند." (۸۸). وکان احساسات بدیهی چون ریشه‌داشتن را به فقدان آن در عصر حاضر مرتبط می‌داند. به‌همین شکل، موقعیت مشابهی برای ساکنان گتو متصور است. او معتقد است گتو برای ساکنان این مناطق، نقش ساختاری ویژه‌ای دارد: "طوری طراحی شده که ساختاری محدودکننده داشته باشد تا باعث ایجاد شبکه‌ی گسترده‌ی اجتماعی با روابط نمادین و مادی بین رنگ پوست، مکان زندگی و سایر ویژگی‌های بار معنایی منفی اجتماعی: مانند یهودی بودن در گتوهای ونیزی، شود." (۱۸۲). بنابراین، ساکنان گتو با ویژگی‌های نمادین برچسب زده می‌شوند؛ مانند یهودیان داستان اتللو که رباخوارانی حریص و خسیس خوانده می‌شوند. دقیقاً همان برچسبی که در روایت اتللو، یهودیان را محصور کرده؛ در دوردست‌ترین مکان‌ها و زمان‌ها در رمان تکرار می‌شوند تا این حقیقت مهم فاش شود که مقوله برچسب قومی-نژادی در کنار انگ مکان، یکی از نشانه‌های به‌حاشیه راندگی اجتماعی است که ریشه در قرون گذشته دارد و تا کنون ادامه یافته و داستان و واقعیت را در هم آمیخته؛ مانند ارتباط مطالعات اجتماعی-فرهنگی و ادبیات در آغاز قرن بیستم و یک. اتللو ضمن گشت‌وگذار در شهر مرموز ونیز، به اکتشاف زندگی شبانه‌ی گتو در حاشیه‌ی شهر می‌پردازد. او درمی‌یابد این مکان محصور بسیار عجیب است و درباره یهودیان ساکن آنجا و قوانین حکمفرما بر آن‌ها، تعمق می‌کند. وی نتیجه می‌گیرد که زندگی در چنین مکان محصور، برای یهودیان همراه با نوعی آسایش و آرامش است؛ زیرا ارتباط با مسیحیان خارج از دنیای گتو، اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است. او می‌گوید: "ظاهراً اکثر یهودیان زندانی شدن پشت دروازه‌های گتو از طلوع تا غروب را امری مشقت‌بار نمی‌دانند، زیرا از آن‌ها در برابر مخالفان سنگدلان، محافظت می‌کند."

(۸۸). خواننده خیلی زود به یاد می‌آورد که سنگدلانی که یهودیان را آزار داده‌اند؛ یا در اروپای قرن بیستم هستند یا در شهر باستانی پورتو بافل^۱ در رمان که نقش پررنگ مذهب، نژاد و هویت را در زندگی شخصیت‌هایش و همین‌طور زندگی واقعی در طول تاریخ برجسته می‌کند. وکان برای بسط بحث درباره گتو در دو سوی آتلانتیک در آخر قرن بیستم، به سه روایت رسمی از گتو اشاره می‌کند که یکی از آن‌ها انزوای مکانی-اجتماعی یهودیان اروپای رنسانس است. او می‌گوید که چنین ساختاری، همان‌طور که در گتوی توصیفی اتللو ذکر شد، فرمی بنیادی و ابزاری سازمانی است. تام سالیتز^۲ روایت وکان از نیروی تاریخی که باعث ایجاد گتو شده را این‌طور بیان می‌کند که "گتو ساختاری بنیادی است؛ ابزاری سازمانی-اجتماعی که از مکان برای به‌دست آوردن دو خصیصه‌ی مخالف استفاده می‌کند: بهره‌کشی اقتصادی و محروم‌سازی اجتماعی. [...]" گتو به‌وسیله‌ی حاکمان شهر ایجاد شده تا ضمن این که سود مادی که از این طبقه‌ی قومی بی‌اعتبار شده به‌دست می‌آورند را به حداکثر برسانند، ارتباط با ساکنان آن را به حداقل برسانند. " (وکان و دیگران، ۳). این دقیقاً همان نکته‌ای است که در قلب داستان بازنمایی شده است. زمانی که فیلیپس درباره افراد سنگدلی سخن می‌گوید که یهودیان را پشت دیوارهای آهنین گتو زندانی کرده‌اند، که برخلاف انتظار تبدیل به پناهگاه آن‌ها شده، تا هر گونه تماس با آن‌ها را به حداقل برسانند. به‌علاوه وکان معتقد است برعکس چنین حصار، به نفع ساکنانش است و نقش سپر محافظ را ایفا می‌کند: "این ساختارها در آن واحد، نقش شمشیر تیزی در تاثیر بر این حصار به‌نفع نیروی حاکم و نقش سپر برای ایجاد فضای حفاظت‌شده را ایفا می‌کند که افراد تحت سلطه‌ی آن می‌توانند در آن عمل متقابل و حفظ شأن خود را تجربه کنند." (وکان و دیگران، ۳). این مکانی است که می‌توانند در آن آداب و رسوم قومی و نژادی خود را در حصار که برپا شده تا در برابر نیروی غالب محافظت کند را با احساس امنیت به‌جا بیاورند. همان‌طور که اتللو به‌محض ورود، گتویی به‌شدت محصور را توصیف می‌کند که نه‌تنها سختی بر ساکنانش تحمیل نمی‌شود، بلکه مانند سپر از آن‌ها در مقابل خطرات نیروی حاکم، یعنی مسیحیان و نیز، محافظت می‌کند.

1. Portobuffole

2. Tom Slater

۴. مهار تادیبی: حصری محدودکننده و عملی

هولوکاست و اردوگاه نازی‌ها دو درون‌مایه‌ی کلیدی در رمان هستند و بنابراین، ذات اردوگاه‌ها و شخصیت‌هایی که لحظات سرشار از روان‌زخم را پشت درهای آن‌ها روایت می‌کنند، برای خواننده یادآور ذات تادیبی زندان است. به‌علاوه، گتویی که اتللو شاهد آن بود، حاکی از رابطه‌ی متقابل میان اردوگاه نازی‌ها در نیمه‌ی قرن بیستم و گتوی رنسانس است که به‌شکل نظری در مطالعات وکان درباره نقش بخش جزایی و مهار تادیبی در ساختار اجتماعی عصر نیولیبرال اواخر قرن بیستم، منعکس شده است. رمان در مکانی ناشناخته و ناگهان آغاز می‌شود و شخصیت‌ها در آن بی‌هدف به‌دنبال سرزمین موعود سرگردان هستند. دکتر استرن، پزشکی یهودی است که خانواده‌اش را برای رفتن به فلسطین و کمک به ارتش زیرزمینی آن برای انتقال بی‌سروصدای یهودیان یاغی از اروپا به آنجا، ترک کرده است. وی نخستین راوی است که جو دلگیر اردوگاه را توصیف می‌کند. او می‌گوید در قبرس و درحال خدمت‌رسانی به پناهندگان هستند و سازمان کم‌رسانی که او برایش کار می‌کند، چندملیتی است و به نقش قوای بریتانیا در منحرف کردن کشتی پناهجویان از فلسطین تاکید و این عمل را به‌عنوان ایجاد اردوگاهی زندان‌مانند تعبیر می‌کند. به هر صورت، نکته‌ی مهم این است که پناهجویان در این زندانی‌شدن کاملاً بی‌دفاع هستند؛ زیرا "قوای بریتانیا وظیفه‌ی خود دانسته تا مردم بی‌دفاع را زندانی کند. در اطراف اردوگاه، تانک‌های بریتانیایی در فواصل منظم قرار گرفته‌اند و حتی در ساحل، اسلحه‌های آن‌ها آماده و سربازهای مضطربشان برای حفاظت از زنان، مردان و کودکان بی‌سلاح، آماده‌باش هستند؛ یک ماموریت احمقانه." (۲). بدین‌ترتیب، عمل مهار تادیبی به‌نظرش کاملاً احمقانه می‌آید و باعث می‌شود احساس وظیفه و فداکاری در وی قوی شود؛ به‌حدی که خانواده و کشورش را ترک کند و به‌سوی یک زندگی بامعناتر و متعهدتر بشتابد.

مهار تادیبی و بخش جزایی^۱ از مفاهیم کلیدی وکان هستند. او مباحث فراوانی درباره تغییرات این مفاهیم و همچنین جوهره‌ی مهار تادیبی از قرن هجدهم تا کنون ارائه داده است. او درباره چهارچوب کتاب تحسین‌شده‌اش، تنبیه فقرا^۲، به‌تفصیل توضیح داده و معتقد است سازوکار زندان و قوه‌ی جزایی و هیئت تادیبی^۳ که پیشتر بوردیو و فوکو آن

1. The Penal State
2. Punishing the Poor
3. Carceral Body

را شرح داده‌اند، باید گسست‌های جدی و مهمی را تجربه کنند تا پاسخگوی قوه‌ی جزایی معاصر در عصر نیولیبرال باشند. همچنین، فواید اخلاقی و اجتماعی نظام تادیبی قرن هجدهم که فوکو به آن پرداخته نیز باید دستخوش تغییراتی شود. او معتقد است که این فناوری‌های تادیبی تنها هدف نظام تادیبی پایان قرن در جهان اول، به‌ویژه اروپا نیست. از این‌رو، ادعا می‌کند که زندان در عصر حاضر بیشتر در خدمت خنثی‌سازی این عمل است تا تعلیم و تربیت آن‌ها. اکنون زندان "به‌جای تعلیم ("تادیب" یا "آدم‌کردن")، به‌قصد نشان‌دادن "افراد مفید و مطیع" که فوکو آن‌ها را امر مسلم برمی‌شمرد، بیشتر به‌سمت خنثی‌سازی بی‌رحمانه، مجازات طوطی‌وار و انبارکردن افراد به‌صورت پیش‌فرض، اگر نگوییم ازپیش تعیین‌شده، می‌رود." (وکان، ۱۲۲). صحنه‌ای که دکتر استرن در اردوگاه و نگهبانان آنجا شاهد هستند، دقیقاً همین دگرگونی نقش زندان و تَبیه است؛ زیرا پناه‌جویان همه "بی‌دفاع" و "بی‌سلاح" هستند و همچنین از شرافت و انسانیت خود با یک سکون خودکار و ناخواسته تهی شده‌اند که آن‌ها را به ابزاری در "یک انبار ساده" تبدیل کرده که باعث شده موجوداتی فاقد کرامت انسانی و تهی از هر ارزشی از قبیل "عزت نفس و قدرت تصمیم‌گیری" (۳) باشند. به‌همین دلیل فیلیپس محافظت از این توده‌های بی‌دفاع و بی‌ارزش را ماموریتی احمقانه می‌نماید. همان‌طور که او از خاطرات خود در اردوگاه پرده برمی‌دارد، درباره تاثیر قدرت ماموران اردوگاه بر تفکر و رفتار زندانیان توضیح می‌دهد؛ زیرا آن‌ها بی‌دفاع هستند و حتی باورش‌شان، همان دلیلی که به‌خاطرش به آغوش مرگ می‌روند، نیز نمی‌تواند به آن‌ها کمکی کند. در طول داستان، خواننده بیشتر از رخوت ساکنان اردوگاه در مقابله با خشونت باورنکردنی آگاه می‌شود که فقط به‌خاطر ایمان و باورش‌شان، زندانی هستند. او برنامه‌ی روزانه‌اش در اردوگاه، به منزله‌ی یک زندان را این‌گونه بیان می‌کند: "آنوقت من به رفتار منضبط هم‌زندان‌هایم خیره می‌شوم که در صف دریافت غذا هستند. فریاد یا هل‌دانی در کار نیست. همه گرسنه و مضطرب هستند، اما هیچ‌کس جای دیگری را به‌زور نمی‌گیرد. آیا این به‌دلیل خستگی مطلق یا اخلاقیات جهان کهن است که به ناگاه به ما تحمیل شده است؟" (۷). او در تعجب است که آیا رفتار عجیب هم‌کیشان‌ش به‌خاطر خستگی است یا تاثیر شکوه و عظمت "جهان کهن"؟ زیرا آلمان در قلب اروپاست که جان آن‌ها را به‌خاطر ایمان به دین یهود تهدید می‌کند. وکان می‌گوید تحقیق درباره حبس و زندان، منحصر به جرم‌شناسی نیست؛ بلکه باید بخش مهمی از جامعه‌شناسی مدنی و مردم‌شناسی باشد. زیرا مهار تادیبی و حبس به‌صورت

معکوس به تجزیه‌ی قشر فرودست شهری در قرن بیستم کمک کرده و آن را سرعت می‌بخشد و کلمات او، این نیاز در گفتمان‌های بین رشته‌ای را نه تنها در مطالعات مدنی بلکه در ادبیات، به‌ویژه رمان، به‌خوبی نشان می‌دهد.

با دفاع از ضرورت مسئله‌ی زندان به‌عنوان موضوع مورد مطالعه در جامعه‌شناسی مدنی، وکان نقش زندان و سازوکار آن را در رفتار و استیلای حکومت بر فرودستان و همچنین زندگی و سرنوشت این طبقه و قدرت غیرقابل‌گریز مهار تادیبی در این استیلا را تشریح می‌کند: "باید رویکرد جامعی اتخاذ کنیم که شامل تمامی اعمالی باشد که به‌وسیله‌ی آن حکومت قصد دارد جوامعی که فرض می‌کند زندگی در قلمروشان همراه‌کننده، وابسته و خطرناک است را شکل داده و کنترل کند." (۱۶). بنابراین، شکل‌دادن و کنترل یهودیان در مشاهدات او از زندانیان اردوگاه، دقیقاً هدف زندانبانان است که حضور آن‌ها در قلمروشان را "منحط" و "خطرناک" می‌دانند و در نتیجه این وظیفه‌ی غیرقابل‌اجتناب و ارزشمند ادبیات است که نقش تسهیل‌گر در ترکیب شاخه‌های مختلف دانش به‌شکل ملموس را دارد تا برای بخش وسیعی از مخاطبانش، قابل‌درک باشد.

وحشت و شوک اردوگاه در تمام داستان، او را تسخیر کرده و انعکاسش تا پایان داستان تکرار می‌شود. بخش عمده‌ای از روایت او در توهماتش به‌وقوع می‌پیوندد؛ زیرا او پس از زنده‌ماندن، شرایط پسا‌روان‌زخم را تجربه می‌کند. در یکی از این کابوس‌ها، یک اردوگاه، یک زندان دیگر را به‌یاد می‌آورد که ساکنان آن چنان از زندگی خالی هستند که به موجودات مطلقاً ناچیز تبدیل شده‌اند که در انتظار مرگ در یک امید واهی برای زنده‌ماندن هستند. او فضای مغموم اردوگاه را این‌طور توصیف می‌کند: "در این مکان جدید، کاری برای انجام دادن نیست. حضور و غیابی وجود ندارد. [...] هیچ‌چیز نیست، به‌جز تیفوس و مرگ [...] بدون هیچ برنامه‌ی روزمره، تسلیم شدن و مردن راحت است. بسیار راحت. حالا چهار ماه است اینجا هستم و کاری نیست. بهار است، اما زمستان بر ما افسار و به صورت ما زل زده است. ما فقط منتظریم. منتظر دام حریص مرگ." (۹۹)، بنابراین، او به بخشی کلیدی از رمان اشاره می‌کند، زیرا ریشه‌داشتن و فقدان هویت، پی‌رنگ‌های پرتکرار در آثار فیلیپس هستند و او این فقدان هویت را در انفعال و بی‌هدفی که در اردوگاه تجربه می‌کند، نسبت می‌دهد. وکان در تحلیل مباحث مربوط به زندان و مهار تادیبی، به این حقیقت می‌رسد که سیستم جزایی و حکومت در یک رابطه‌ی دوجانبه

هستند: "زیرا مهار تادیبی قشر به حاشیه رانده شده‌ی شهری به‌طور همزمان از طریق تنزل دادن شبکه‌ی امنیت اجتماعی و گسترش دام پلیس-زندان و پیوند آن‌ها در یک شبکه‌ی زندانی-کمکی، نتیجه‌ی گرایش کلی جامعه‌شناسانه نیست؛ چه به‌خاطر افزایش قدرت زیست باشد یا به‌دلیل پیدایش "مدرنیته‌ی متاخر"، بلکه در اعماق آن تمرینی است برای شالوده‌بندی طبقه‌ی حاکم." (۱۲۵). این همان شالوده‌بندی حکومت است که انتظار می‌رود پیروز میدان باشد، زیرا حتی او هم آن را در غیاب امید، شجاعت و هر نوع انگیزه‌ای در زندانی بدون برنامه، خیلی آسان درک می‌کند. او با تمام وجود درمی‌یابد که بدون هدف، تسلیم شدن آسان است و این سرسپردگی، بر ولع زندانبان برای ساختن نسلی یکپارچه و خالص می‌افزاید که تماماً بازنمایی شالوده‌بندی قدرت حاکم است که به‌عقیده وکان، از پیدایش مدرنیته‌ی متاخر و نیز در نیمه‌ی قرن بیستم و در میان جنگ جهانی دوم در حال اجرا می‌باشد. مجدداً نقش ادبیات در جلوگیری از ایدیولوژی‌های متعصب و رعب‌آور روشن می‌شود که می‌توان آن را در داستان منعکس کرد تا تعداد زیادی از مردم سراسر دنیا آن را بخوانند و در آن تعمق کنند.

۵. نتیجه‌گیری

مقاله‌ی پیش‌رو، رمان *ذات خون* را به‌عنوان نمونه‌ای از روایت چندلایه با دورنمای گسترده از زمان، مکان و تاریخ مورد بررسی قرار داده که آن را جهانی در مقیاس کوچک برای به‌کارگیری مفاهیم برشمرده‌ی وکان ساخته است. مفاهیم جامعه‌شناختی-فرهنگی مطرح‌شده، ارتباط تنگاتنگ داستان معاصر و علوم اجتماعی را تایید می‌کند؛ زیرا پرسش و سوسه‌انگیز *ذات خون*، سرشت بی‌زمان و جهانی بودن خود را اثبات می‌کند که می‌توان در مکان‌های مختلفی از جهان آن را مشاهده کرد. بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که انگ مکان، در کنار برچسب‌زنی‌ها که سرکوب‌شدگان را به حاشیه‌های اجتماع می‌رانند؛ تهدیدی پرتکرار بر تمامیت وجودی قشر فرودست است که دستیابی به هر عمل جمعی را مشکل می‌سازد و بدین‌ترتیب، باعث تعمق در زندگی و چالش‌های آینده‌ی مهاجران با پیشینه‌های مذهبی و قومی-نژادی مختلف، به‌ویژه از خاورمیانه بعد از ظهور داعش که سعی در یافتن پناهگاه در اروپا داشت، می‌شود. به‌علاوه، گتو در تجلی مدرن خود، ریشه‌هایش را در ادبیات می‌یابد و این حقیقت روشن می‌شود که گتو روی دیگری از زندان است که هدفش حصر و دربند کردن مطرودان جامعه است که تقریباً بدون تغییر

به کلان‌شهرهای مدرن رسیده است. سرانجام، روشن شد که مهار تادیبی، در طول تاریخ رویکردی عملی و بی‌هزینه برای نگهداری قشر فرودست و مطرودان در تنگنا و پشت دیوار زندان بوده که گاهی اوقات به شکل گتو مجسم می‌شود و همواره در ادبیات به فحوای بالقوه‌ی مردم‌شناسی و فرهنگی-اجتماعی‌اش منعکس می‌شود.

Ghetto and Punitive Containment:

A Reflection on Caryl Phillips's *The Nature of Blood*

Bahareh Nilforoshan¹, Bakhtiar Sadjadi², Fariba Parvizi³, Farid Parvaneh⁴

Abstract

Introduction: *Reading contemporary fiction through diverse disciplines appears to be a substantial part of narrative studies in particular and literature in general providing a tenable framework of interdisciplinary discourses of knowledge to study and explore fiction. Caryl Phillips's The Nature of Blood embraces a labyrinth of narratives, with the Holocaust as its ultimate point of recollection. Phillips, by narrating the horrific memories of a camp survivor, delves into the dark memories of racism and brings it to its old days, as far as Othello's in Venice. The present study explores this dark legacy through a relatively new approach to literature using socio-cultural anthropological concepts. In doing so, the present paper scrutinized The Nature of Blood through the concepts of territorial stigma, ghetto, and punitive containment to delineate the true and indisputable role of fiction in other social sciences, emphasizing the interdisciplinary nature of literature and novels, in particular. Focusing on the conception of the ghetto as a stigmatized territory narrated by Eva and Othello, the two major narrators in the novel, the article finds it as an available and costless strategy of punitive containment practiced through the course of history and represented like Blood.*

Background of Study: *Wacquant elucidates his ideas on the nexus of margin-*

1. Ph.D. student, Department of English Language and Literature. Islamic Azad U. Central Tehran Branch. Tehran, Iran.

2. Associate professor of English Literature. Kurdistan University. Sanandaj- Iran .(corresponding author)

3. Assistant Professor of English Language and Literature. Ershad Damavand U. Tehran, Iran

4. Assistant Professor of English Language and Literature. Islamic Azad U. Qom ranch. Qom, Iran

ality, ethnicity, and penalty. However, tenets of territorial stigmatization and ghettoization would cover more nationalities and disciplinary boundaries. He builds his notions of the ghetto on a comparison of some canonical cases and concludes that the ghetto is an institutional form that would lead to territorial and social stigmatization: "The ghetto is an institutional form, a social-organizational device that employs space to fulfill two conflictive functions: economic extraction and social ostracization" (*Urban Outcasts*, 3). He develops the concept of territorial stigmatization according to this comparative approach to social theory and applies his findings about neighborhood taint on both sides of the Atlantic. Moreover, he has contributed to urban studies by his notion of advanced marginality.

Methodology: This article is library-based research and uses various sources both in interdisciplinary discourses and contemporary fiction. Ghetto is pictured as a punitive containment strategy to push the members of the periphery to territories of stigma and deprive them of their collective identity and sense of belonging.

Conclusion: The present paper explores *The Nature of Blood* as an instance of the author's multi-layered narration in a versatile scope of time, place, and history that makes it an appropriate microcosm to apply Wacquant's conception of territorial stigma, ghetto, and punitive containment. It is concluded that territorial stigma, along with other labels relegating the repressed to the margins of a society, is a recurrent and dynamic threat to the integrity of the underclass and the precariat making it difficult to grasp any kind of collective action and thus, reflecting the future lives and struggles of the migrants with diverse ethno-racial and religious backgrounds, especially from the Middle East, who were trying to find refuge in Europe after the wake of ISIS. Moreover, the ghetto, scrutinized by Wacquant in its modern sense, finds its roots in Renaissance Europe in Phillips' fiction, proving the bitter fact that the ghetto is the other side of the prison

aiming at the exclusionary closure of the outcasts of the society and continued almost unchanged to the modern urban metropolis. The punitive containment during history proved to be a practical and priceless strategy to keep the underclass precariat and the social outcasts at bay behind the bars of the prison, sometimes embodied in the form of the ghetto and has always been reflected in literature due to its potential socio-cultural and anthropological overtones.

Keywords: *Jewish Diaspora; Intertextuality; Trauma; Exclusionary Closure; Carceral body; Urban Relegation.*

References

- Bourdieu, Pierre. *In Other Words: Essays Towards a Reflexive Sociology*. Trans. M. Adamson. Cambridge: Polity, 1987.
- "Social Space and Symbolic Power." *Sociological Theory* 7, 1(Spring 1989): 14-25.
- Brecht, Bertolt, and Eric Bentley. "On Chinese Acting." *The Tulane Drama Review* 6, 1 (1961): 130-136.
- Caruth, Cathy, ed. *Trauma: Explorations in Memory*. Baltimore: John Hopkins University Press, 1995.
- Cerasan, S. P, ed. *William Shakespeare's The Merchant of Venice: A Sourcebook*. New York: Routledge, 2003.
- Freud, Sigmund. "Further Recommendations in the Technique of Psychoanalysis: Remembering, Repetition, and Working Through", Trans. Joan Riviere. *G, P.2*, (1924): 366-76
- Frank, Anne, ed. *The Diary of a Young Girl*. Trans. Evan Cameron. London: Penguin, 1997.
- Gilroy, Paul. *Between Camps: Nations, Cultures and the Allure of Race*. London: Penguin, 2001.
- Gholami, Vahid, and Kian Soheil. "A Dialectic of Individual and Social Identity in Toni Morrison's *Beloved*." *Critical Language and Studies* 5, 1 (1391)
- Goffman, Erving. *Stigma: Notes on the Management of Spoiled Identity*. New York: Simon and Schuster, 1963.
- Hadfield, Andrew, ed. *William Shakespeare's Othello: A Routledge Study Guide and Sourcebook*. New York: Routledge, 2002.
- La Capra, Dominick. *Writing History, Writing Trauma*. Baltimore: John Hopkins University Press, 2001.
- Ledente, Benedicte. *Caryl Phillips*. Manchester: Manchester University

Press, 2002.

- Massey, Douglas S., and Nancy A. Denton. *American Apartheid: Segregation and the Making of the Underclass*. Massachusetts: Harvard University Press, 1993.
- McClusky, Alan Liam. "Estrangement, Empathic Failure, and the Provocation of a Critical Cosmopolitan Vision in Caryl Phillips' *The Nature of Blood*." *The Journal of Commonwealth Literature* 49, 2(2014): 215-228.
- Mongan, Roscoe, ed. *The Tragedy of Othello, the Moore of Venice*. London: W. Swan Sonnenschein & Co, 1883.
- Ozick, Cynthia. *The Shawl*. New York: Vintage, 1990.
- Phillips, Caryl. *The European Tribe*. New York: Vintage, 2000.
- *The Lost Child*. New York: Picador, 2016.
- *The Nature of Blood*. New York: Vintage, 1998.
- Wacquant, Loic and Pierre Bourdieu. *An Invitation to Reflexive Sociology*. Chicago: The University of Chicago Press, 1992.
- "Bourdieu, Foucault, and the Penal State in the Neoliberal Era." *Punishing the Poor: The Neoliberal Government of Social Insecurity*. London: Duke University Press, 2009.
- "The Ghetto, the State, and the New Capitalist Economy." *Dissent* (Fall 1989): 508-20.
- "Revisiting Territories of Relegation: Class, Ethnicity, and State in the Making of Advanced Marginality." *Urban Studies* 53, 6(2016): 1077-1088.
- "Territorial Stigmatization in the Age of Advanced Marginality." *Thesis Eleven* 91, 1 (2007): 66-77.
- "The Two Faces of the Ghetto: Constructing a Sociological Concept." *Actes de la Recherche en Sciences Sociales* 160, 5(2005): 4-21.
- Wacquant, Loic, Tome Slater, and Virgilio Borges Pereira. "Territorial Stigmatization in Action." *Environment and Planning* 46, A (2014): 1270-1280.

- *The Two Faces of the Ghetto*. New York: Oxford University Press, 2015.
- *Punishing the Poor: The Neoliberal Government of Social Insecurity*. London: Duke University Press, 2009
- *Urban Outcasts: A Comparative Sociology of Advanced Marginality*. Cambridge: Polity Press, 2008.
- Whitehead, Anne. *Trauma Fiction*. Edinburgh: Edinburgh University Press, 2004.
- Wilson, William. *The Truly Disadvantaged: The Inner City, the Underclass, and the Public Policy*. Chicago: University of Chicago Press, 1987.
- Wondrich, Roberta Gefter. "The Exhausted Intertext as Cultural Memory: Erased and Displaced Identities in Caryl Phillips' *The Nature of Blood* and *The Lost Child*." *Human Diversity in Context* 1(2020): 243-314.